



درباره پژوهشگر

مقصود فراستخواه سال ۱۳۳۵ در تبریز به دنیا آمد. وی فارغ‌التحصیل مقطع دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی از دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی است، هم‌اکنون عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی است و در دانشگاه‌های مختلف تدریس می‌کند. زمینه‌های تدریس و برنامه‌پژوهشی دکتر فراستخواه شامل آموزش عالی تطبیقی، ارزشیابی و اعتبارسنجی، روش‌های تحقیق کیفی، آموزش پژوهشی و مباحث تدریس و یادگیری، سیاستگذاری دانشگاه و مطالعات فرهنگی و اجتماعی علم است. کتاب‌های «دانشگاه و آموزش عالی: منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی»، «سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران: بررسی تاریخی آموزش عالی و تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مؤثر بر آن»، «تاریخ هشتاد ساله دانشکده فنی دانشگاه تهران»، «دانشگاه ایرانی و مسئله کیفیت: جستارگشایی برای نظام تضمین کیفیت آموزش عالی ایران بر اساس بررسی تطبیقی ۱۶ کشور جهان»، «مطالعات علم و آموزش عالی»، «روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه (گراند تئوری)»، «نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی (به صورت مشترک با عباس بازرگان)»، «سرآغاز نوآندیشی معاصر (دینی و غیردینی)» و «ذهن و همه چیز؛ طرح‌واره‌هایی برای زندگی» و «ما ایرانیان»، از زمره تألیفات ایشان است. وی مقالات علمی و پژوهشی متعددی در مجلات معتبر نیز منتشر کرده است.



دکتر مقصود فراستخواه

رتبه: برگزیده جایزه مطالعات میان‌رشته‌ای
تحصیلات: دکتری تخصصی
عنوان اثر: گاه و بی‌گاهی دانشگاه در ایران؛ مباحث نو و انتقادی در باب دانشگاه‌پژوهی، مطالعات علم و آموزش عالی

MAQSOUD FARASATKHAH
Rank: Winner of Grand Prize in Interdisciplinary Studies
Degree: PhD
Research Title: The Occasionality of University in Iran
Work Type: Book



چکیده اثر:

در این کتاب کوشش به عمل آمده تا با شرحی از تاریخ و تبار و سرشت نهادین دانشگاه و تحولات آن توضیح داده شود که دانشگاه برای خود عالمی و کلیتی است و منطق نهادینه و فلسفه‌ای دارد. به‌گونه‌ای که نه تنها فعالیت و مدیریت و تأمین دانشگاه و گسترش آن باید با منطق درونی و قاعده‌های نهادین آکادمیک، میزان و موزون شود، بلکه حتی تنوع مدل‌ها و تحولات نسلی و رشد و تغییر و توسعه دانشگاه نیز نمی‌تواند گزاف و بی‌قاعده باشد. در جوامع توسعه یافته، دانشگاه‌ها در تحولی دائمی هستند و با محیط خود سازگاری فعالی دارند اما این تحول به‌معنای آن نیست که از دانشگاه‌بودن در بیایند و گاه و بی‌گاه شوند. این در حالی است که علم در ایران امر تصادفی بوده و هست. تصادفاً یک پادشاهی از علم حمایت می‌کرد و تصادفاً یک پادشاهی حمایت نمی‌کرد. از سوی دیگر، نهاد‌های مستقل از حکومت هم کم‌مقدار بودند و هم دوامی نداشتند. به این معنا گاه و بی‌گاه بودند و اغلب به صورت افراد دانشمند و متفکر ظهور می‌کردند. از این رو، در تأسیس علم و نهادمندی آن مشکل وجود داشت. یعنی عقلاً حضور داشتند ولی سازمان‌یابی عقلاً غایب بود و سنت نظری برای ساختن جامعه آکادمیک شکل نمی‌گرفت.